

بعثت در کلام خاندان رسالت

در مورد بعثت نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، سخنهای بسیاری گفته شده و شاعران، ادیبان، حکیمان و نویسندگان، هریک به فراخور حال خود، این واقعه شگرف را به نظم و نثر کشیده‌اند...

در مورد بعثت نبی اکرم حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله، سخنهای بسیاری گفته شده و شاعران، ادیبان، حکیمان و نویسندگان، هریک به فراخور حال خود، این واقعه شگرف را به نظم و نثر کشیده‌اند. اما هیچ کس مانند خاندان پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، که در درک اسرار بعثت، یگانه همه اعصار و در شیوایی و رسایی سخن، سرآمد روزگار بوده‌اند، نتوانسته است حق مطلب را ادا کند و چنانکه شایسته این رویداد عظیم است در مورد آن سخن گوید.

از این رو گزیده‌ای از بیانات دو گل سرسید خاندان رسالت، امیر بیان مولا علی بن ابی طالب علیه السلام، و سیده زنان حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را تقدیمی نمایم.

بعثت در کلام امیر مؤمنان علی علیه السلام

در اولین خطبه نهج البلاغه، امیر مؤمنان علیه السلام، درباره پیامبران و از جمله پیامبر خاتم می‌فرماید:

"پس هر چند گاه پیامبرانی فرستاد و به وسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق الست بگزارند، و نعمت فراموش کرده را به یاد آرند. با حجت و تبلیغ، چراغ معرفتشان را بیفروزند تا به آیت‌های خدا چشم دوزند، از آسمانی بالا برده و زمینی زیرشان گسترده، و آنچه بدان زنده‌اند و چسان می‌میرند و ناپاینده‌اند، و بیماریهای پیرکننده و بلاهای بی‌پای رسنده، و هیچگاه نبود که خدا آفریدگان را بی پیامبر بدارد، یا کتابی در دسترس آنان نگذارد، یا حجتی بر آنان نگمارد، یا از نشان دادن راه راست دریغ دارد. پیامبران که اندک بودند و مخالفشان بسیار، و در دام شیطان گرفتار، در کار خویش درنمانند و دعوت حق را به مردم رسانند. گاه پیامبر پیشین نام پیامبر پس از خود را شنیده، و گاه وصف پیامبر پسین را به امت خویش گفته. زمان این چنین گذری شد. پدران رفتند و پسران جای آنان را گرفتند تا آنکه خدای سبحان محمد صلی الله علیه و آله، را پیامبری داد تا دور رسالت را به پایان رساند و وعده حق را به وفا مقرون گرداند، طومار نبوت او به مهر پیامبران مهور و نشانه‌های او در کتاب آنان مذکور، و مقدم او بر همه مبارک و موجب سرور، حال آن که مردم زمین، هردسته به کیشی گردن نهاده بودند، و هر گروه پی خواهشی افتاده، و در خدمت آیینی ایستاده، یا خدا را همانند آفریدگان دانسته، یا صفتی که سزای او نیست بدو بسته، یا به بتی پیوسته و از خدا گسسته. پروردگار، آنان را بدو از گمراهی به رستگاری کشاند و از تاریکونادانی رهاند.

سپس دیدار خود را برای محمد صلی الله علیه و آله گزید - و در جوار خویش او را پسندید - و از این جهانش رهانید. او را نزد خود برد تا در فردوس اعلی نشیند، و بیش از این سختی این جهان نبیند.

پس بزرگوارانه او را دیدار ارزانی داشت و او میراثی که پیامبران می‌نهند برای شما گذاشت، چه آنان امت خویش را وانگذارند مگر با نشان دادن راهی روشن و نشانه‌ای معین.

کتاب پروردگار در دسترس شماست، حلال و حرام آن پیداست، واجب و مستحب آن هویدا است، ناسخ و منسوخش روشن، رخصت و عزیمت آن معین، خاص و عامش معلوم، پند و مصلحتش مفهومی، مطلق و مقیدش پدیدار، محکم و متشابهش آشکار، مجمل آن تفسیرشده، و نامفهومش تعبیرشده، از حکمی که بدانند و انجام دادنی است، و آنچه ندانند و واگذارند است، حکمی است و جوب آن در قرآن معین، و نسخ آن در سنت مبرهن، و حکمی که سنت گوید باید، و کتاب رخصت دهد که ترک آن شاید، و حکمی که در وقتی خاص بر مکلف نوشته است، و چون وقتش سپری شد تکلیف کرده است، و حرامهایی ناهمسان، با کیفرهایی سخت و یا آسان، گناهی بزرگ که کیفرش آتش آن جهان است، و گناهی خرد که برای توبه کننده امید غفران است، یا آنچه مقبول، میان دشوار و آسان است." (1)

آن حضرت در قسمتی از خطبه 33 بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را چنین توصیف می‌کند:

"خدا محمد را برانگیخت و از عرب کسی کتابی نخوانده بود و دعوی پیامبری نکرده بود. محمد صلی الله علیه و آله، مردم را به راهی که بایست کشاند، و در جایی که باید نشانند، و به رستگاری رساند، تا آن که کارشان استوار و جمعیتشان پایدار گردید." (2)

در خطبه 94 نیز در وصف سلسله پیامبران الهی می‌فرماید:

پس آنان را در بهترین ودیعت جای به امانت سپرد، و در نیکوترین قرارگاه مستقر کرد. از پشتی به پشت دیگرش داد، همگی بزرگوار، چون یکی از آنان درگذشت، دیگری برای حمایت دین برخاست، و جانشین او گشت، تا آن که تشریف بزرگواری از سوی خدای باری، به محمد صلی الله علیه و آله رسید، و او را از بهترین خاندان و گرامیترین دودمان برکشید. از درختی که پیامبران خود را از آن جدا کرد، و امینان خویش را برگزید و بیرون آورد. فرزندان او بهترین فرزندانند، و خاندانش نیکوترین خاندان و دودمان او بهترین دودمان. در گرداگرد مکه رویدند، و در کشتزار بزرگواری بالیدند. شاخه‌هایشان بلند و سر به آسمان کشیده است و دست کسی به میوه آن نارسیده.

او پیشوای کسی است که راه پرهیزگاری پوید، و چراغکسی است که راهنمایی جوید. چراغی است که پرتو آن دمید، و درخششی است که روشنی آن بلند گردید، و آتشنه‌ای است، که نور آن درخشید. رفتار او میانه‌روی در کار است، و شریعت او راه حق را نمودار. سخنش حق را از باطل جدا سازد، و داوری او عدالت است - و ستم را براندازد - او را هنگامی فرستاد که پیامبران نبودند (و مردمان) به خطاکار می‌نمودند، و امتان در نادانی می‌غنودند.

خداتان پیامرزا! به کار پردازید، و نشانه‌های آشکار را پیشوای خود سازید تا که راه گشاده است و راست، و شما را به خانه‌ای می‌خواند که سلامت آنجاست. شما در خانه‌ای به سر می‌برید که باید خشنودی خدا را در آن به دست آرید، در مهلت و آسایش خاطری که دارید، که نامه‌ها گشوده است و خامه فرشتگان روان، تن‌ها درست است و زبانها گردان. توبه شنیده است و کردارها پذیرفته. (3)

امیرمؤمنان علیه‌السلام، در خطبه 95 به توصیف وضعیت مردمان تا پیش از برانگیخته شدن حضرت ختمی مرتبتمحمد صلی‌الله علیه و آله پرداخته، می‌فرماید:

او را برانگیخت، حالی که مردم سرگردان بودند، و بیراهه فتنه را می‌پیمودند. هوا و هوسشان سرگشته ساخته، بزرگی خواهی‌شان به فرودستی انداخته، از نادانی گرفتار.

او که درود خدا بر وی باد، خیرخواهی را به نهایت رساند، و از طریق حکمت و موعظه نیکو مردم را به خدا خواند. (4)

آن حضرت در قسمتی از خطبه 96 نیز حضرت ختمی مرتبت را چنین توصیف می‌کند:

" قرارگاه او بهترین قرارگاه است. و خاندان او را شریفترین پایگاه است، از کانه‌های ارجمندی و کرامت، و مهدهای پاکیزگی و عفت. دل‌های نیکوکاران به سوی او گردیده، دیده‌ها در پی او دویده. کینه‌ها را بدو بنهفت و خونها به برکت او بخت. مؤمنان را بدو، برادران هم کیش ساخت، و جمع کافران را پریش، خواران را بدو ارجمند ساخت و سالار، و عزیزان را بدو خوار. گفتار او ترجمان هر مشکل است و خاموشی او زبانی گویا برای اهل دل. (5)

و سرانجام در خطبه 110 در وصف پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید:

" دنیا را خوار دید و کوچکش شمرد، سبکش گرفت و هیچش به حساب آورد، و دانست که خدا دنیا را از او گرفت چون چنین خواسته بود، و دیگری را ارزانی داشت چون حقیر می‌بود. پس به دل از آن روی برگرداند، و یادش را در خاطر خویش میراند، و دوست داشت که زینت دنیا از دیده‌اش نهان شود تا از آن رختی گرانها نگزیند، و امید ماندن در آن به دلش ننشیند. رسالت پروردگار را چنان رساند، که برای کسی جای عذر نماند، و امت خود را اندرز گفت و ترساند، و مؤدبه بهشتشان داد، و بدان خواند.

ما درخت نبوتیم و فرود آمد نگاه رسالت، و جای آمد و شد فرشتگان رحمت، و کانه‌های دانش و چشمه سارهای بینش. یاور و دوست ما، امید رحمت می‌برد، و دشمن و کینه جوی ما، انتظار قهر و سطوت. (6)

بعثت در کلام فاطمه زهرا علیهاالسلام

پاره تن رسول خدا، حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، که در خانه وحی پرورده شده بود و صدای بال جبرئیل را شنیده بود، پس از رحلت نبی اکرم صلی‌الله علیه و آله، و در پی جفای بزرگی که مردم در حق خاندان او روا داشتند، با قلبی پر خون به مسجد مدینه درآمده و رو به مردم غفلت زده خطبه‌ای ایراد می‌کند که در تاریخ سخنوران عرب جاودانه می‌شود. آن حضرت در این خطبه به زیباترین بیان، بعثت و رسالت نبی اکرم را به وصف می‌کشند و حال و روز مردم جزیره‌العرب را قبل و بعد از بعثت به تصویر درمی‌آوردند.

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام، در ابتدای خطبه مزبور به حمد و ثنای الهی پرداخته و می‌فرماید:

" ستایش خدای را بر آنچه ارزانی داشت و سپاس او را بر اندیشه نیکو که در دل نگاشت. سپاس بر نعمتهای فراگیر که از چشمه لطفش جوشید. و عطا‌های فراوان که بخشید. و نثار احسان که پیایی پاشید. نعمتهایی که از شمار، افزون است. و پاداش آن از توان بیرون. و درک نهایتش نه در حد اندیشه ناموزون. سپاس را مایه فزونی نعمت نمود. و ستایش را سبب فراوانی پاداش فرمود. و به درخواست پیایی بر عطاء خود بیفزود. گواهی می‌دهم که خدای جهان یکی است. و جز او خدایی نیست. ترجمان این گواهی دوستی بی‌آلایش است. و پای بندگان این اعتقاد، دل‌های با بینش. و راهنمای رسیدن بدان، چراغ دانش. خدایی که دیدگان او را دیدن نتوانند، و گمانها چونی و چگونگی او را ندانند. همه چیز را از هیچ پدید آورد. و بی‌نمونه‌ای انشا کرد. نه به آفرینش آنها نیازی داشت. و نه از آن خلقت سودی برداشت. جز آن که خواست قدرتش را آشکار سازد و آفریدگان را بنده‌وار بنوازد. و بانگ دعوتش را در جهان اندازد. پاداش را در گرو فرمانبرداری نهاد. و نافرمانان را به کیفر بیم داد. تا بندگان را از عقوبت برهاند، و به بهشت کشاند. (7)

آن حضرت در ادامه در بیان آفرینش و بعثت حضرت ختمی مرتبت می‌فرماید:

" گواهی می‌دهم که پدرم محمد بنده او و فرستاده اوست. پیش از آن که او را بیافریند او را برگزید. و پیش از پیمبری تشریف انتخاب بخشید و به (خوب) نامیش نامید که می‌سزید.

و این هنگامی بود که آفریدگان از دیده نهان بودند. و در پس پرده بیم نگران. و در پهنه بیابان عدم سرگردان. پروردگار بزرگ پایان همه کارها را دانا بود. و بر دگرگونی‌های روزگار در محیط بینا. و به سرنوشت هر چیز آشنا. محمد صلی‌الله علیه و آله را برانگیخت تا کار خود را به اتمام و آنچه را مقدر ساخته به انجام رساند. پیغمبر که درود خدا بر او باد، دید؛ هر فرقه‌ای دینی گزیده. و هر گروه در روشنایی شعله‌ای خزیده. و هر دسته‌ای به بتی نماز برده. و همگان یاد خدایی را که می‌شناسند از خاطر سترده‌اند.

پس خدای بزرگ تاریکیها را به نور محمد روشن ساخت. و دلها را از تیرگی کفر برداشت. و پرده‌هایی که بر دیده‌ها افتاده بود به يك سوانداخت. سپس از روی گزینش و مهربانی جوار خویش را بدو ارزانی داشت. و رنج این جهان که خوش نمی‌داشت، از دل او برداشت. و او را درجهان فرشتگان مقرب گماشت. و چتر دولتش را در همسایگی خود افراشت. و طغرای مغفرت و رضوان را به نام اونگاشت.

درود خدا و برکات او بر محمد صلی‌الله علیه و آله پیغمبر رحمت، امین وحی و رسالت و گزیده از آفریدگان و امت باد. (8) آنگاه رو به مجلسیان کرده و آنچه را که پیامبر خاتم (ص) بر آنها ارزانی داشته بود، چنین برمی‌شمارد: شما بندگان خدا! نگاهبانان حلال و حرام، و حاملان دین و احکام، و امانت داران حق و رسانندگان آن به خلقید. حقی را از خدا عهده دارید. و عهده را که با او بسته‌اید پذیرفتار. ما خاندان را، در میان شما به خلافت گماشت و تاویل کتاب‌الله را به عهده ما گذاشت. حجت‌های آن آشکار است، و آنچه درباره ماست پدیدار. و برهان آن روشن. و از تاریکی گمان به کنار. و آوای آن در گوش مایه آرام و قرار. و پیرویش راهگشای روضه رحمت پروردگار، و شنونده آن در دو جهان رستگار. دل‌های روشن الهی را در پرتو آیت‌های آن توان دید. و تفسیر احکام واجب او را از مضمون آن باید شنید. حرام‌های خدا را بیان دارنده است. و حلال‌های او را رخصت دهنده. و مستحبات را نماینده. و شریعت را راه گشاینده. و این همه را با رسالتین تعبیر گوینده. و با روشنترین بیان رساننده. سپس ایمان را واجب فرمود.

و بدان زنگ شرك راز دل‌هاتان زدود. و با نماز خودپرستی را از شما دور نمود. روزه را نشان دهنده دوستی ساخت. و زکات را مایه افزایش روزی بی دریغ. و حج را آرم‌بند درجات دین. و عدالت را نمودار مرتبه یقین. و پیروی ما را مایه وفاق. و امامت ما را مانع افتراق. و دوستی ما را عزت مسلمانی. و بازداشتن نفس را موجب نجات، و قصاص را سبب بقای زندگانی. وفا به نذر را موجب آموزش کرد. و تمام پرداختن پیمان و وزن را مانع از کم فروشی و کاهش. فرمود می‌خوارگی نکنند تا تن و جان از پلیدی پاک سازند و زنان پارسا را تهمت نزنند، تا خویشتن را سزاوار لعنت نسازند. دزدی را منع کرد تا راه عفت پویند. و شرك را حرام فرمود تا به اخلاص طریق یکتاپرستی جویند «پس چنانکه باید، ترس از خدا را پیشه گیرید و جز مسلمان مگیرید!» آنچه فرموده است بجا آرید و خود را از آنچه نهی کرده بازرارید که «تنها دانایان از خدا می‌ترسند». (9)

حضرت زهرا علیها السلام در بخش دیگری از این خطبه به تلاشی که پدر ارجمندش برای گسترش توحید و اسلام متحمل شد اشاره کرده و می‌فرماید:

مردم، چنانکه در آغاز سخن گفتم:

"من فاطمه‌ام و پدرم محمد صلی‌الله علیه و آله است «همانا پیغمبری از میان شما به سوی شما آمد که رنج شما بر او دشوار بود، و به گرویدنتان امیدوار و بر مؤمنان مهربان و غمخوار».

صبح ایمان دمید. و نقاب از چهره حقیقت فرو کشید. زبان پیشوای دین در مقال شد. و شیاطین سخنور لال. (10)

آن حضرت وضعیت مردم را در پیش از بعثت چنین به تصویر می‌کشد:

"در آن هنگام شما مردم بر کنارمغاک از آتش بودید خوار. و در دیده همگان بی‌مقدار. لقمه هر خورنده. و شکار هر درنده. و لگدکوب هر رونده. و نوشیدنی‌تان آب گندیده و ناگوار. خوردنی‌تان پوست جانور و مردار.

پست و ناچیز و ترسان از هجوم همسایه و هم جوار. تا آن که خدا با فرستادن پیغمبر خود، شما را از خاک مذلت برداشت. و سرتان را به اوج رفعت افراشت.

پس از آن همه رنج‌ها که دید و سختی که کشید، رزم‌آوران ماجراجو، و سرکشان درنده خو. و جهودان دین به دنیا فروش، و ترسایان ناشنوای حقیقت، از هر سو بر وی تاختند. و با او نرد مخالفت باختند.

هر گاه آتش کینه افروختند، آن را خاموش ساخت. و گاهی که گمراهی سر برداشت، یا مشرکی دهان به ژاژ انباشت، برادرش علی را در کام آنان انداخت. علی علیه‌السلام باز نایستاد تا بر سر و مغز مخالفان نواخت. و کار آنان با دم شمشیر ساخت.

او این رنج را برای خدا می‌کشید. و در آن خشنودی پروردگار و رضای پیغمبر را می‌دید. و مهتری اولیای حق را می‌خرید. اما در آن روزها، شما در زندگانی راحت و آسوده و در بستر امن و آسایش غنوده بودید. (11)

فاطمه زهرا علیها السلام در ادامه سخن به جفایی که امت محمد صلی‌الله علیه و آله، پس از وفات ایشان با خاندانش روا داشتند اشاره کرده و می‌فرماید:

"چون خدای تعالی همسایگی پیغمبران را برای رسول خویش گزید، دورویی آشکار شد، و کالای دین بی‌خردار. هر گمراهی دعوی دار و هر گمنامی سالار. و هر یاهو گویی درکوی و برزن در پی گرمی بازار.

شیطان از کمینگاه خود سر برآورد و شما را به خود دعوت کرد. و دید چه زود سخنش را شنیدند و سبک در پی او دویدید و در دام فریبش خزیدید و به آواز او رقصیدید. (12)

پی‌نوشت‌ها:

1. شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج‌البلاغه، صص 6 - 7.

2. همان، صص 34.

3. همان، صص 87.

4. همان، صص 88.

5. همان.

6. همان، ص 106.
7. شهیدی، سید جعفر، زندگانی فاطمه زهرا علیهاالسلام، صص 126 - 127.
8. همان، صص 127 - 128.
9. همان، صص 128 - 129.
10. همان، ص 130.
11. همان، صص 130 - 131.
12. همان، ص 131.